

## آینده تاریک و روشن

در این مقاله نوعاً از قرآن مجید استفاده شده بخصوص قسمت مربوط بقیامت که فقط ترجمه ای از آیات قرآن میباشد.

خروش کرکننده و هراس انگیزی سراسر عالم را فرا گرفت!!!  
در صورت دمیده شد! آسمانیان، اهل زمین جز آنکه خدا خداست،  
بشیون درآمده از هوش رفتند!!!

آنقدر وحشتنا بود که حیوانات وحشی گردهم آمدند شتران  
باارزش صاحب ورها شدند، مادران کودکان شیرخوار را فراموش  
کردند و بارداران بار خود فرو نهادند!

رشته نظم آسمان گسیخته خورشید درهم پیچیده شد ستارگان  
تیره و تار گشتند. کوهها براه افتاده همچون سرابی نمودار می شدند  
دریاها آتش گرفته از هم پاشیدند و سرانجام طومار آسمان بهم پیچیده  
بسط زمین برداشته شد!!!

در این روز فلك ولدت كامل از کیست؟؟؟

تمها برای خداوند یکتای قهار

سپس باردیگر در صور دمیده شود بناگاه خلایق از گورها بر  
خواستہ بہت زدہ می نگرند چہ خیر است !!!  
تکذیب کنندگان گویند:

وای بر ما، کی ما را از خوابگاهمان برانگیخت؟ هان این همان  
است کہ خدای مہربان وعده داد عجب پیامبران درست گفتند؟  
آری آنروز مردم گوناگون و مختلف بیرون آیند تا کردارهای  
خویش را نشان دادہ شوند سپس ہر کس ذرہ ای کار خوب یا بد کردہ  
آنها ببیند.

کافران از گور ہا باشتاب بیرون شدند گوئی بسوی نشانہای  
روانند؛ دیدہ ہایشان فرو افتادہ زلت بزونی آنها را فرا گرفته دلہای  
آنان نزدیک گلوگاہ آمدہ خشم خود فرو خوردند گویند ایکاش خاک  
بودیم!

مردم فوج فوج بحر کت در آمدہ متوجہ داعی حق گردند  
چہرہ ہا در آن روز مختلف است؛ برخی گشادہ، شاداب و خندان؛  
بعضی دیگر گرد نافرمانی بر آن نشستنہ پریشانی آنها را گرفته آری  
این چہرہ ہای کافران تہہکار است.

مؤمنان را بینی نورشان از پیش رود سوی راستشان، میدود؛  
منافقان بآنان گویند ہما بنگرید تا از نورتان و شنائی بگیریم؛ گفته شود  
باز گردید پشت سر خویش پرتوی بجوئید ناگاہ میانشان دیواری زدہ  
شود؛ آن حصار را دریمت دورنش رحمت و بیرونش از پیش آن عذاب است

منافقان بآنها آواز دهند آیاما باشما نبودیم؟! گویند آری ولی شما خودرا فریب دادید و درنگ کاری نمودید وشك آوردید، آرزوها شما راسر گوم داشت تا امر خدا بیامد؛ و فریبکار شما را بخدا فریب داد. ✽  
وضع عجیبی است! انسان از برادر، مادر و پدر، همسر و فرزندانش، فرار می کند چون هر کسی را کاریست که بخود و ادارش.

حقایق کاملا آشکار گشته هر چیز بصورت واقعی خود نمایان است کسی توانائی حرف بیجائی ندارد چون بر زبانها مهر نهند، دستها با خدا سخن گفته پاهابگردار گه اهی دهند ✽  
دستگاه عدل پروردگار گسترده شود فرشتگان با عظمت صف بسته بپایستند ✽ پیامبران و گواهان را حاضر نمایند صورت شده اعمال «کتاب» ✽  
و میزانهای عدالت نهاده گردند ✽

نفس هادرسینه حبس گشته جز آنکه خدا فرموده و حرف درست زند هیچکس سخن نگوید

اعمال خوب و بد مردم سنجیده شده ذره ای ستم نشوند  
آن روز رشوه و پارتی مفهومی ندارد هیچکس برای کسی مالک چیزی نیست کارها تنها بدست خداست. ✽

سرانجام هر کس عمل و کردارش باو پرداخته می شود و که فرمان گروه گروه بجهنم سوق داده شده و آنانکه پرهیز کاری پیشه ساختند، دهنه دسته بسوی بهشت روانه شوند همینکه بهشت می رسند درهای آن باز، نگهبانان بآنان گویند سلام بر شما، خوش آمدید در آئید در آن جاودانان... ✽

آنان با احترامات کاملا وارد بهشت می شوند!

محیطی بس وسیع در پهنای چون آسمانها و زمین قصرهای باشکوه  
 ودل آوین غرغه ها و تالارهای روح انگیز از هر سو بر بستانها و باغستانهای  
 خرم و سرسبز، گلپهای رنگا رنگ شام جان رامعطر کند، در ختان  
 سر برافراشته از اینرهی در شاخساران گوئی زمین را با نك ز مردین  
 خود پوشیده اند، مرغان خوش آواز نغمه سرائی می کنند...

نسیم ملایم و خوشبوئی، نوید زندگی جاوید میدهد؛ نهرهای  
 آب از زیر قصرها روان، صدای فرح انگیز آبشارها سرود خوشی می  
 خوانند.

چون چشمه سار از آب تغییر ناپذیر، شیر گوارا که مزه آن  
 عوض نشود، و چون عسل صاف می درخشند.

بزمی است دیدنی! در غرغه ها تخت های زرین نهاده اند روپوش  
 آنها فرشهای سبز رنگ و گرانقدر، و بر بالای آن بالشهای نیکو و خیره  
 کننده قرار گرفته همه جاز نور ملایم و زیبای مؤمنان روشن است.

گرمی آفتاب، سردی زمستان، تاریکی شهبها در آنجا راه ندارد  
 بهشتیان، با شادابی و طراوت جوانان عضلات نیرومند، چهرهای  
 زیبا و درخشان و دلپهای آرام و بدون تشنج در غرغه های مجلل و باشکوه  
 بالای سریر عزت و بر بالشهای توصیف ناپذیر تکیه می زنند سرور نعمت  
 و خوشی از چهره های زیبا و درخشان آنان نمودار است.

لباسهای گوناگون و زیبا از حریر و دیبا و استبرق سبز فام بر کرده  
 دستبندهای طلا و لؤلؤ بدست کنند.

دخترانی موزون آراسته با سینه و اندام برجسته چشمان سیاه  
 و درشت، سپید اندام در فروغ همچون یاقوت و مرجان همسر و خود

## باخته آنانند

بقدری زیبا و دلکشند که اگر در این جهان نمودار شدند .  
آفتاب در برابرشان بی فروغ شده چشم‌آدیدن آن فرشته‌گان  
رانخواهد داشت و بحدی دلبر و طنازند که اگر در بهشت مرک بودی همه  
از دیدن جمالشان قالب تهی کردی ☹️ با اینهمه در مقابل شوهران خود  
فروتن و فرمانبرند و بجز آنان بدیگری نمیگردند ☹️

پسرانی جاویدان ساده و زیبا که گویا مروارید پوشیده شده‌اند ☹️  
باطراف آنان بگردند و جامها بدست گرفته از شرابه‌ای لذتبخش  
و سرگرم کننده و بی درد سر که نه هدیایی دارد و نه گناهی بانها بنوشاند  
(چه زیرا نه بهشت جایگاه گناه است و نه آن شرابه‌گناه آور)

برخی از شرابه‌ای کافوری: خَمَك و آرام کننده و اطمینان بخش است ☹️  
بعضی زنجبیلی ☹️: گرمی و سرخوشی آور و بعضی دیگر پاکیزه و پاک  
کننده ☹️ و برخی جوشان و سعید و درخشان و لذت بخش است.  
از گوشت پرندگان و هر غذا که مایل باشند بهره مند خواهند شد  
شاخه‌های درختان بانان نزدیک شده هر میوه‌ای بخواهند در دسترس  
آنان است.

وازه‌مه بالاتر: خداوند باینان شرابی پاك و ازهر آلودگی و  
و اندیشه پاك کننده می نوشاند ☹️ و مورد اکرام و رضوان خداوند  
بوده در مقام قرب او بسر می برند و درود آنان سلام و هرگز سخن بی‌موده‌ای  
نشنوند و آخرین گفتار شان اینست: سپاس ویژه خداوند، پروردگار  
جهانبیان است ☹️

برای آندو همیشه در خوشی و خرمی و نعمت های بیکران

